

چکیده:

زمینه و هدف: استعمال دخانیات مسئول یک دهم موارد مرگ و دومین عامل مرگ و میر در جهان می باشد. ضمن اینکه بسیاری از افراد غیر سیگاری از مواجهه ناخواسته با دود دخانیات و خطر توسعه و پیشرفت بیماریهای ناشی از تماس با دود دخانیات رنج می برند. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش بر مبنای تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر الگوی مصرف دخانیات در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد که به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تخصیص یافته بودند، انجام شد. پس از گردآوری داده های پایه توسط پرسشنامه محقق ساخته (مهرماه سال ۱۳۹۲) به عنوان پیش آزمون، برنامه آموزشی برای گروه آزمون اجرا گردید و ۲ ماه پس از اتمام مداخله آموزشی، پس آزمون توسط همان پرسشنامه که در مرحله پیش آزمون استفاده شده بود مجدد توسط هر دو گروه تکمیل شد. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ گردید و با استفاده از آزمون های آماری تی مستقل، کای دو و آزمون دقیق فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان در گروه مداخله و شاهد به ترتیب برابر ۲۱/۴۶ (۱/۹۶) و ۲۲/۲۶ (۳/۰۲) بود ( $P=۰/۰۷۶$ ). یافته ها حاکی از عدم تفاوت معنی دار آماری بین ویژگی های دموگرافیک، الگوی مصرف دخانیات و سازه های مدل، قبل از انجام مداخله بود. میانگین نمره سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده به جز هنجارهای انتزاعی بعد از مداخله در گروه آزمون افزایش معنی داری یافت ( $P<۰/۰۰۵$ ). همچنین بعد از مداخله مصرف دخانیات ( $P=۰/۰۰۳$ ) و تمایل به حضور در محیط های مصرف دخانیات ( $P=۰/۰۱۵$ ) در آزمودنی های گروه آزمون نسبت به شاهد کاهش معنی داری یافت. نتیجه گیری: به نظر می رسد آموزش بر مبنای تئوری رفتار برنامه ریزی شده می تواند بر الگوی مصرف دخانیات دانشجویان موثر باشد.

واژه های کلیدی: آموزش، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، الگوی مصرف دخانیات، دانشجویان